



# بررسی اهداف اسناد بالادستی (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نقشه ی جامع علمی کشور) و مقایسه ی آن با اهداف اساسنامه ی انجمن اولیا و مربیان در دوره ی ابتدایی

فرشیده اعرابی

آموزگار پایه دوم ابتدایی آموزشگاه غیرانتفاعی نیایش شهرستان مهدی شهر استان سمنان (کارشناسی ارشد علوم تربیتی دانشگاه علامه  
طباطبایی) c1a.aarabi@gmail.com

## چکیده

پژوهش حاضر به تبیین هدف های سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نقشه ی جامع علمی کشور در حوزه ی انجمن اولیا و مربیان و مقایسه ی آن با اهداف اساسنامه ی انجمن اولیا و مربیان می پردازد. پرسش های این پژوهش عبارتند از: الف) اهداف سند تحول بنیادین در حوزه ی انجمن چیست؟ ب) اهداف نقشه ی جامع علمی در حوزه ی انجمن چیست؟ ج) اهداف اساسنامه ی انجمن اولیا و مربیان چیست؟ د) آیا اهداف سند تحول بنیادین با اهداف انجمن اولیا و مربیان مطابقت دارد و اهداف سند تحول بنیادین در اساسنامه تحقق پیدا کرده است یا نه؟ ه) آیا اهداف نقشه ی جامع علمی کشور با اهداف انجمن اولیا و مربیان مطابقت دارد و اهداف نقشه ی جامع علمی کشور در اساسنامه تحقق پیدا کرده است یا نه؟ برای پاسخ به پرسش های یاد شده، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نقشه ی جامع علمی کشور و همچنین اساسنامه ی انجمن به روش بردی تحلیل و بررسی شد، بر اساس توصیف و تفسیر های انجام شده دیده می شود که در سند تحول بنیادین و نقشه ی جامع علمی کشور در عرصه ی تعلیم و تربیت، مشارکت خانواده ها و تعامل فعال و اثرگذار و منسجم آنها برای دستیابی به اهداف به عنوان یک اصل مهم تلقی شده است. تکریم خانواده به عنوان رکن اثرگذاری در شخصیت فرزندان و دانش آموزان، از ارکان مهم سند تحول بنیادین آموزش و پرورش است. آموزش خانواده، تقویت بنیان خانواده و تلاش در جهت افزایش آگاهی و توانایی خانواده همسو با اهداف نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی کشور در اسناد مذکور تاکید شده است. نتایج مقایسه ی اهداف اساسنامه ی انجمن با اهداف اسناد در حوزه ی انجمن اولیا و مربیان نشان می دهد که میزان اهداف تحقق نیافته در هر دو سند (سند تحول بنیادین، نقشه ی جامع علمی کشور) بیشتر از اهداف تحقق یافته است و بنابراین نتایج پژوهش، این مطلب را می رساند که توجه برنامه ریزان باید به هردو سند بیشتر باشد چرا که این اسناد در آموزش و پرورش به عنوان یک رکن اساسی تلقی می شود.

**کلید واژه:** سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، نقشه ی جامع علمی کشور، اساسنامه ی انجمن اولیا و مربیان.

## 1- مقدمه

تعلیم و تربیت از جمله عواملی است که در رشد فردی و سازگاری اجتماعی انسان تاثیر دارد. زیرا مجموعه عوامل دخیل در تعلیم و تربیت شرایطی به وجود می آورند که در فراگیر بینش گسترده و مهارت لازم ایجاد شود، از سوی دیگر نهادهای آموزشی و اعضای جامعه و خانواده به سهم خود در تعلیم و تربیت دخالت دارند و هر کدام به نحوی در این امر مهم مؤثرند و به همین علت عناصر مختلف تعلیم و تربیت می بایست از همدیگر حمایت نموده و هماهنگ باشند (وفادار، جوان بخت اول، ۱۳۸۴، ۱۰).

چگونگی رابطه ی محیط طبیعی مدرسه، اولیا و محصلان از جمله عوامل مهم تعیین کننده ی چگونگی یادگیری و آموزش در مدرسه به شمار می رود (شعاری نژاد، ۱۳۸۷، ۱۵۳). باید توجه داشت که آموزش و پرورش صحیح کودکان و نوجوانان مستلزم هماهنگی و کوشش و تلاش متقابل سه ضلع مقدس خانواده، دانش آموز و مدرسه است. خانه و مدرسه دو نهاد تربیتی مهم به شمار می آیند که در صدد عوامل تاثیر گذار به روند رشد و تکامل رفتار و منش افراد قرار دارند (بیابانگرد، ۱۳۷۸، ۷).

تداوم و پیچیدگی فرایند تعلیم و تربیت کودکان ایجاد میکند که دو گروه دست اندر کار یعنی والدین و معلمان مشارکت و همکاری بیشتری بایکدیگر داشته باشند. برای ایجاد زمینه های لازم به منظور تحقق همکاری دست اندر کاران تربیت کودک مدتهاست تشکیلاتی به نام انجمن اولیا و مربیان فعالیت می نماید (وفادار، جوان بخت اول، ۱۳۸۴، ۱۰). بر اساس اساسنامه ی انجمن مرکزی اولیا و مربیان هدف نهایی از تعلیم و تربیت، دستیابی به مکارم اخلاقی و یافتن نفسی مطمئن و تزکیه و حرکت در صراط مستقیم جهت وصول به مقام بندگی شایسته ی خدای توانا با استفاده از زمینه های فطری انسان است. دو رکن مهم و اساسی این ترقی و تعالی عبارت است از کانون های با صفا و باهدف خانواده و مدرسه. لذا به منظور برقراری ارتباط میان این دو کانون و در جهت تحکیم و همکاری های تربیتی و ایجاد هماهنگی بین کلیه مراکزی که تمام یا بخشی از اهداف آنها هدایت و تهذیب افکار و تربیت اخلاق عمومی است، مؤسسه ای غیرانتفاعی، وابسته به وزارت آموزش و پرورش به نام انجمن مرکزی اولیا و مربیان تشکیل گردید (اساسنامه ی



انجمن مرکزی اولیاومرئیان، ۱۳۶۷، ۱).

لازم است معلم و مسئولین مدرسه از محیط زندگی، فرهنگ و ارزشهای حاکم بر آن محیط آگاهی یابند تا بتوانند آموزش و پرورش مدرسه را با استفاده از تجارب زندگی دانش آموز و با همکاری اولیای وی بارور نمایند. این همکاری، خانه و مدرسه را متوجه می سازد که بین خانه و مدرسه جدایی نیست و تضاد و دوگانگی بین روشهای تربیتی این دو محیط وجود ندارد (بازرگان، ۱۳۷۶، ۱۳).

برای تعلیم و تربیت صحیح باید بین هدف ها، محتوا و روشهای تربیت، وحدت و هماهنگی وجود داشته باشد. برای تحقیقین وحدت ارتباط خانه و مدرسه ضرورت پیدا میکند و همسویی دو نهاد خانه و مدرسه، الزامی می شود (استادان طرح جامع آموزش خانواده، ۱۳۷۸، ۸۸).

همخوانی و هماهنگی خانه و مدرسه در تربیت کودک، اورادرنیل به تماس و درک بهتر واقعیت و مالا در تثبیت شخصیت یاری می دهد. در حالی که -  
ناهمخوانی و ابهام در ارزشها و فعالیت های خانه و مدرسه احتمالاً به تعارض، ناکامی و حتی اضطراب و رفتار دفاعی در کودک می انجامد. امروزه انجمن های اولیا و مربیان رایج ترین و پرمعناترین وسیله ارتباط بین خانه و مدرسه اند. اصولاً هدف از تشکیل انجمن های اولیا و مربیان چیزی جز این نیست که اولیا و مربیان با هم آشنا شوند و اولیا از روشها و طرز کار معلمان واز پیشرفت و احوالاً مشکلات تحصیلی فرزند خود مطلع گردند (بیابانگرد، ۱۳۷۸، ۱۰).  
در نقشه ی جامع علمی کشور آمده است که کشور جمهوری اسلامی ایران در افاق ۱۴۰۴ ه.ش در علم و فناوری با اتکال به قدرت لایزال الهی و با احیای فرهنگ و برپایه ی تمدن نوین اسلامی- ایرانی برای پیشرفت ملی، گسترش عدالت و الهام بخشی در جهان، کشوری خواهد بود : برخوردار از انسان های صالح، غرهیخته، سالم و تربیت شده در مکتب اسلام و انقلاب و با دانشمندی در طراز برترین های جهان (نقشه ی جامع علمی کشور، ۱۳۸۹، ۵).

در نظام تربیت رسمی و عمومی مطلوب، خانواده مهمترین نهاد پستوانه ی تشکیل جامعه ی صالح به شمار می آید. لذا تأسیس و حفظ خانواده از ارزشهای اساسی برگرفته از سنت اسلامی است و نوباوگان و نوجوانان باید به اهمیت این نهاد ارزشمند و بنیادی پی ببرند و مهارتهای ضروری را برای تشکیل و تداوم آن کسب کنند (مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، ۱۳۹۰، ۲۳۳).

انجمن اولیا و مربیان مدارس بر پایه ی مشارکت اولیا و مربیان موجودیت می یابد. اینک در راستای اجرای سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، این سازمان مصمم است با پیش بینی و اجرای برنامه ها در جهت توانمندسازی زیرساخت های مشارکت والدین گرانقدر دانش آموزان با رعایت قواعد مشارکت، یک فرایند تدریجی و هدفمند را دنبال نماید و این مهم جز در سایه همکاری و همدلی نهاد مقدس خانواده و سایر نهادهای دولتی و غیر دولتی میسر نخواهد بود به طوری که اتخاذ راهبردها باید متناسب با اهداف اسناد بالا دستی نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران باشد. بنابراین لازم است والدین محترم دانش آموزان ضمن شناخت جایگاه مؤثر خانواده در تربیت نسل آینده با حضور ارزشمند خود در انجمن های اولیا و مربیان مدارس و همکاری در کارگروه های تخصصی و مهارتی نقش آفرین باشند (راهنمای فعالیت انجمن های اولیا و مربیان، ۱۳۹۲، ۶).

باتوجه به نقش و جایگاه انجمن اولیا و مربیان به عنوان یک نهاد رسمی مشارکت اولیا و تاثیر بر ارتقای نظام های آموزشی و از آنجا که اتخاذ راهبردها باید متناسب با اهداف بالا دستی باشد مسئله ای که ذهن پژوهشگر را به خود مشغول گردانیده این است که اهداف اساسنامه ی انجمن در اسناد بالا دستی تبلور یافته است یا نه؟ و متناسب با اهداف اسناد بالا دستی است یا نه؟ زیرا اگر برنامه تغییر کرده باشد در صورتی که تغییری در محیط ها و محصولات آموزشی ایجاد نشود برنامه های جدید با شکست روبه رو می شوند (سپهان، ۲۰۰۹). پژوهش حاضر مارانسبت به کمبودها و نارساییها در اساسنامه انجمن اولیا و مربیان و اسناد بالا دستی آگاه می کند.

## ۲- بررسی سؤال ۱: اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در حوزه ی انجمن اولیا و مربیان چیست؟

- ۱- ارتقای جایگاه و نقش تربیتی خانواده و مشارکت اثربخش آن با نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی
- ۲- ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور
- ۳- افزایش مشارکت و اثربخش همگانی به ویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی
- ۴- تعامل اثربخش و فعال نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با سایر نهادها به ویژه خانواده در رسانه با تاکید بر کاهش مرزهای تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی
- ۵- تعمیق تربیت و آداب اسلامی، تقویت اعتقاد و التزام به ارزش های انقلاب اسلامی با تقویت شایستگی های اعتقادی، اخلاقی، حرفه ای مدیران و معلمان و توانمندسازی مربیان و دانش آموزان با استفاده از ظرفیت برنامه های آموزشی و تربیتی و مشارکت خانواده
- ۶- ترویج و تعمیق فرهنگ حیا، عفاف و حجاب متناسب با قابلیت ها و ظرفیت های نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی
- ۷- تقویت بنیان خانواده و کمک به افزایش سطح توانایی ها و مهارت های خانواده در ایفای نقش تربیتی متناسب با اقتضات جامعه ی اسلامی
- ۸- تامین و بسط عدالت در برخورداری از فرصت های تعلیم و تربیت با کیفیت مناسب با توجه به تفاوت ها و ویژگی های دختران و پسران در



۹- تنوع بخشی به محیط های یادگیری در فرایند تعلیم و تربیت رسمی عمومی با تفسیر اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش جایگاه خانواده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش این طور بیان شده است که در اسلام، طبق روایات و احادیث فراوان، تربیت فرزندان وظیفه و تکلیف والدین است. در قرآن کریم برخی آیات به صراحت یا غیرمستقیم بر مسئولیت تربیتی خانواده تأکید دارد. از جمله: آیات ۶ سوره حریم، ۱، آیه ۳۲۳ سوره بقره ۲، آیه ۱۳۲ سوره طه ۳ و آیه ۵۵ سوره مریم ۴. همین چنین روایات زیادی دال بر این معنا دیده می شود؛ از جمله فرموده های مکرر حضرت رسول اکرم (ص) و امام علی (ع) که بر مسئولیت تربیتی خانواده صراحت دارند. در قوانین رسمی کشور نیز تربیت فرزندان تکلیف والدین دانسته شده است؛ زیرا والدین اند که با جلب منافع و دفع زیان از فرزندان، موجبات رشد و تعالی آنان را فراهم می آورند.

تربیت تکلیفی است برای خانواده که قابل فرو گذاشتن نیست. رشد و تعالی نوباوگان و نسل نوحاسته جامعه، متوقف بر ادای به موقع و درست این تکلیف است و گرنه جامعه از آن آسیب های زیاد جامعه خواهد دید. اهمیت این تکلیف تا جایی است که دولت اسلامی به هنگام فقدان والدین یا ضعف و سستی آن ها، وظیفه تربیت را خود به عهده می گیرد. دولت اسلامی باید هرگونه کم کاری والدین را در تکلیف های تربیتی به آنان متذکر شود و در صورت لزوم آن را از طریق مراجع قضایی پی گیری کند.

با عنایت به تلازم حق و تکلیف، در دیدگاه اسلامی (مذکور در مبانی حقوقی تربیت رسمی و عمومی)، مشارکت والدین در مدیریت تربیت رسمی و عمومی حق آن هاست و دولت اسلامی موظف است در استیفای این حق بکوشد و سازوکارهای ضروری آن را فراهم آورد. بنابراین، رابطه حاکمیت و خانواده در امر تربیت، به ویژه تربیت رسمی و عمومی، رابطه، طولی و تعاملی است و دولت ها باید نسبت به دیدگاه و نقد والدین نسبت به چگونگی های تربیت رسمی و عمومی حساس و پاسخگو باشند.

نقش والدین در تحقق حق بر تربیت فرزندان، در تمامی سطوح و انواع تربیت، یک سان نیست. بی شک، این نقش به سبب شرایط رشد کودکان در سنین آغازین زندگی برجسته تر، حساس تر و ضروری تر است. اما با توجه به پیچیدگی های فرایند تربیت و تخصصی بودن آن در عصر حاضر، به ویژه در تربیت رسمی و عمومی، خانواده ها نمی توانند به تنهایی از پس این وظیفه خطیر اجتماعی برآیند؛ لذا چنان که پیش تر بیان شد، دولت اسلامی نقش فعال تری را به عهده گرفته است؛ اما این به معنای رفع تکلیف از خانواده ها و واگذاری تمام و کمال آن بر گردن حکومت نیست.

از مجموع قوانین و مقررات کنونی کشور ما برمی آید که مسئولیت اصلی تربیت کودک در نظام حقوقی ایران با والدین یا سرپرست قانونی کودک است و نقش دولت در این زمینه، تکمیلی و ثانوی است. (مواد ۱۶۸ و ۱۷۸، ۱۷۵ و ۱۱۷۲ قانون مدنی). بند الف ماده ۷ اعلامیه اسلامی حقوق بشر اسلامی نیز مقرر می دارد که «هر کودکی از بدو تولد، حقوقی برگردن والدین، جامعه، دولت در محافظت و تربیت و تأمین نیازمندی های مادی و بهداشتی و تربیتی خود دارد... والدین و کسانی که از نظر قانون شرع به منزلت والدین هستند، حق انتخاب نوع تربیتی را برای فرزندان خود خواهند داشت که منافع و آینده آنان را در پرتو ارزش های اخلاقی و احکام شرعی تأمین کند».

به هر حال، با وجود ورود کودکان به مدارس، یعنی کانون تحقق تربیت رسمی و عمومی و همچنین واگذار شدن فرآیند هدف گذاری، سیاست گذاری، برنامه ریزی، اجرا و نظارت، ارزش یابی و اصلاح نظام تربیت رسمی و عمومی به دولت، مسئولیت تربیت هم چنان به دوش والدین است. تداوم تکلیف والدین در تمامی مراحل تربیت و انواع آن، تعامل و مشارکت بین دولت اسلامی (حاکمیت) و خانواده ها را در تحقق حق بر تربیت اجتناب ناپذیر نموده است.

نظام های حقوقی کشورهای جهان، با توجه به تأکید قوانین و پیمان های بین المللی بر مشارکت والدین در تربیت فرزندان، در خصوص چگونگی تعامل و میزان مشارکت خانواده ها در جریان تربیت رسمی، قوانین و سازوکار های گوناگونی وضع کرده اند. در نظام حقوقی اسلامی نیز مشارکت و نظارت حق والدین است و دولت باید زمینه های تحقق این حق را برآورده سازد. به نظر می رسد در مواردی مانند تدوین مقررات آموزشی و برنامه ها، انتخاب محتوا و تهیه منابع آموزشی و کمک آموزشی، تأمین هزینه ها، و نحوه مصرف اعتبارات، جلب مشارکت مادی و معنوی والدین لازم است. از این رو باید سازوکار های قانونی برای تحقق این حق توسط دولت تهیه و توسط مراجع ذی صلاح تصویب شود.

به طور کلی خانواده در راستای تحقق حق بر تربیت رسمی و عمومی می تواند این نقش ها را نسبت به فرزندان ایفا کند:

انتخاب نوع مدرسه برای فرزندان  
نظارت بر کارکرد مدرسه  
مشارکت در فعالیت های مدرسه ای، مانند مشارکت در طراحی و اجرای برنامه های درسی غیر الزامی  
حضور در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های نظام تربیت رسمی و عمومی، مانند حضور نمایندگان نهاد خانواده در شوراهای در سطوح مختلف  
انتخاب سطوح عالی تری از تربیت برای فرزندان خود در ساحت های مختلف از طریق نظام های جانبی و مکمل



ایجاد تشکیلات مردم نهاد برای توسعه کمی و کیفی نظام تربیت رسمی و عمومی به هرحال حضور رکن خانواده در فرایند تربیت رسمی و عمومی، روشی مطمئن برای پیش گیری از دولتی شدن کامل نظام تربیت رسمی و عمومی و کنترل سلطه نامحدود دولت بر روند تکوین هویت افراد و ابزاری شدن آن و راهکاری مناسب در برابر انتقادهای جدی وارد بر تربیت رسمی در این باره است. برای ایجاد هماهنگی و هم سوئی میان عوامل متعدد سهیم در تربیت رسمی و عمومی، عموم افراد جامعه باید هم غایت، هدف کلی و اهداف مشترکی برای انواع تربیت عمومی - اعم از رسمی و غیر رسمی - تعیین شود و هم با تقسیم کار و وظایف میان عوامل سهیم، زمینه هم افزایی و تعامل سازنده بین آنها فراهم شود. در این میان باید بطور ویژه در سطح ملی نوعی تعامل، هماهنگی و تقسیم وظایف با نهادهای ذیل به عمل آید: خانواده - نظام آموزش عالی - رسانه ملی و سایر شبکه های ارتباطی ملی - حوزه های علمی - نهادهای تبلیغات دینی (مساجد و مؤسسات مذهبی، سازمان تبلیغات اسلامی و...) - نهادهای تربیت غیر رسمی (مطبوعات، هنرهای نمایشی و مراکز فرهنگی) - نظام آموزش فنی و حرفه ای (وزارت کار و امور اجتماعی، و...)

### ۳- بررسی سؤال ۲- اهداف نقشه ی جامع علمی کشور در حوزه ی انجمن اولیا و مربیان چیست؟

۱- تقویت روحیه ی تعاون و مشارکت و مسئولیت پذیری آحاد جامعه ی علمی و نهادهای ی مرتبط با آن

۲- ایجاد هماهنگی میان نظام تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی و کاهش فاصله ی مرزهای میان آنها

۳- سیاست گذاری و برنامه ریزی مشترک و متمرکز تربیتی برای رسانه ها و مراکز مؤثر بر تربیت به منظور همسویی با نظام رسمی آموزش و پرورش

۴- نهادینه سازی تعهد و انضباط اجتماعی و قانون مداری

۵- تحول و نوسازی نظام تعلیم و تربیت اعم از آموزش و پرورش و آموزش عالی به منظور انطباق با مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و تحقق اهداف کلان نقشه

نقشه ی جامع علمی کشور بانگاهی همه جانبه سعی کرده است ابتدا مبانی و ارزشهای بنیادین را ترسیم کند و با در نظر گرفتن ویژگی های اصلی الگوی نظام علم، فناوری و نوآوری کشور اقدام به ارائه ی چهره ای از وضع مطلوب علم و فناوری برای کشور کرده است. در نهایت برای رسیدن به وضع مطلوب ابتدا اولویت های علم و فناوری کشور را مشخص کرده است و سپس با ارائه ی ۱۳ راهبرد کلان، ۷۳ راهبرد ملی، ۲۲۴ مورد از اقدامات ملی را پیش روی نهادهای فعال در بخش علم و فناوری کشور قرار داده است.

در فصل چهارم که به راهبردها و اقدامات ملی برای توسعه ی علم و فناوری کشور اشاره شده است در راهبرد کلان ششم به تحول و نوسازی نظام تعلیم و تربیت اعم از آموزش و پرورش و آموزش عالی به منظور انطباق با مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و تحقق اهداف کلان نقشه پرداخته است که از راهبردهای ملی می توان به موارد زیر اشاره کرد:

ارتقای بهره وری و تقویت بنیه ی مالی نظام آموزش و پرورش و ارتقای نقش و جایگاه خانواده در تعلیم و تربیت و افزایش همکاری اولیای دانش آموزان با مدرسه و آموزش خانواده ها و تدوین برنامه ی جامع مشارکت میان خانواده نهادهای تربیتی و آموزشی می باشد.

### ۴- بررسی سؤال ۳: اهداف اساسنامه ی انجمن اولیا و مربیان چیست؟

۱ - آگاه تر ساختن پدران و مادران و مربیان به معارف اسلامی در رابطه با مسائل رشد و پرورش کودکان، نوجوانان و جوانان با توجه به نیازهای آنان از جهات مختلف معنوی، روانی، عاطفی، سیاسی، اجتماعی و بهداشتی .

۲- تبیین مسؤلیت ها و تقویت احساس آن در اولیاء و مربیان نسبت به مسائل پرورشی فرزندان .

۳- ایجاد و تقویت و تحکیم رابطه صمیمی بین اولیاء و مربیان از یک طرف و فرزندان از طرف دیگر .

۴- فراهم کردن موجبات تحکیم مبانی شخصیت و تقویت خودآگاهی در کودکان، نوجوانان و جوانان .

۵- مطالعه و بررسی عللی که موجب ناسازگاری و یا عواملی که مانع رشد بدنی و روانی کودکان، نوجوانان و جوانان کشور بشود و پیدا کردن راههای رفع علل و موانع بروز .

۶- آشناساختن اولیاء به مسائل اقتصادی خانواده و جامعه و تخصصهای ضروری و مورد نیاز کشور جهت راهنمایی شغلی فرزندان.

۷- جذب امکانات و نیروهای مردمی جهت مشارکت همه جانبه آنان در پیشبرد اهداف آموزش و پرورش جمهوری اسلامی ایران

هدف غایی از تعلیم و تربیت در آیین مقدس اسلام و به تبع آن در حکومت جمهوری اسلامی، دست یابی به مکارم اخلاقی، یافتن نفسی مطمئنه و وزکیه و حرکت در صراط مستقیم در جهت وصول به مقام بندگی شایسته خدای توانا، با استفاده از زمینه های فطری انسان است. دورکن مهم و اساسی این



ترقی و تعالی عبارت است از کانونهای باصفا و باهدف خانواده و مدرسه. بنابراین، به منظور برقراری هرچه بیشتر ارتباط میان این دو کانون در جهت تحکیم همکاریهای تربیتی و ایجاد هماهنگی بین کلیه مراکزی که تمام و یابخشی از اهداف آنها هدایت و تهذیب افکار و تربیت اخلاق عمومی است، مؤسسه‌ای غیرانتفاعی، وابسته به وزارت آموزش و پرورش، به نام انجمن مرکزی اولیاء و مربیان جمهوری اسلامی ایران که از این پس در این اساسنامه، انجمن نوشته خواهد شد تشکیل می‌گردد. انجمن مؤسسه‌ای است که زیر نظر مدیریتی منصوب از جانب وزیر آموزش و پرورش با عنوان قائم مقام وزیر (نماینده تام الاختیار وزیر) در این زمینه و با بهره‌مندی از مشارکت و همیاری همه‌جانبه مردم به گردآوری، سازماندهی و عرضه خدمات تربیتی به شرح مندرج در این اساسنامه اقدام می‌کند.

**۵- بررسی سؤال ۴:** آیا اهداف اساسنامه‌ی انجمن اولیاء و مربیان با اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش مطابقت دارد و اهداف سند تحول بنیادین در اساسنامه تحقق یافته است یا نه؟

بر اساس توصیفات انجام شده چنین بدست آمده است که:

بند ۱۴ فصل دوم (بیانیه‌ی ارزش‌ها) و بند ۵ در فصل پنجم (هدف‌های کلان) در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که «ارتقای جایگاه و نقش تربیتی خانواده و مشارکت اثربخش آن با نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی است» با هیچکدام از اهداف آمده در اساسنامه‌ی انجمن اولیاء و مربیان مطابقت ندارد.

بند ۲ فصل پنجم (هدف‌های کلان) در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که «ارتقای نقش نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی و خانواده در رشد و تعالی کشور، بسط و اعتلای فرهنگ عمومی است» با هیچ کدام از اهداف آمده در اساسنامه‌ی انجمن اولیاء و مربیان مطابقت ندارد.

بند ۵ فصل پنجم (هدف‌های کلان) در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که «افزایش مشارکت و اثربخشی همگانی به ویژه خانواده در تعالی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی» با هیچکدام از اهداف آمده در اساسنامه مطابقت ندارد.

بند ۸ فصل ششم (راهبردهای کلان) در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش که «تعامل اثربخش و فعال نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی با سایر نهادها به ویژه خانواده در رسانه با تأکید بر کاهش مرزهای تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی» با هدف سوم در اساسنامه‌ی انجمن اولیاء و مربیان که «ایجاد تقویت و تحکیم رابطه‌ی صمیمی بین اولیاء و مربیان و فرزندان» است همخوانی دارد.

بند ۲ فصل هفتم در سند تحول بنیادین که «تعمیق تربیت و آداب اسلامی، تقویت اعتقاد و التزام به ارزش‌های انقلاب اسلامی با تقویت شایستگیهای اعتقادی و اخلاقی و حرفه‌ای مدیران و معلمان و توانمند سازی مربیان و دانش آموزان با استفاده از ظرفیت برنامه‌های آموزشی و تربیتی و مشارکت خانواده» با هدف ۱ در اساسنامه‌ی انجمن اولیاء و مربیان که «آگاه تر ساختن پدران و مادران و مربیان به معارف اسلامی در رابطه با مسائل رشد و پرورش کودکان» است مطابقت دارد.

بند ۳ فصل هفتم در سند تحول بنیادین که «ترویج و تعمیق فرهنگ حیا، عفاف و حجاب متناسب با قابلیت‌ها و ظرفیت‌های نظام تعلیم و تربیت رسمی و عمومی» با هیچکدام از اهداف آمده در اساسنامه‌ی انجمن اولیاء و مربیان مطابقت ندارد.

بند ۴ فصل هفتم در سند تحول بنیادین که «تقویت بنیان خانواده و کمک به افزایش توانایی‌ها و مهارت‌های خانواده در ایفای نقش تربیتی متناسب با اقتضائات جامعه‌ی اسلامی» با هدف ۱ در اساسنامه‌ی انجمن اولیاء و مربیان که «آگاه تر ساختن پدران، مادران و مربیان به معارف اسلامی در رابطه با مسائل رشد و پرورش کودکان» است مطابقت دارد همچنین با هدف ۲ در اساسنامه‌ی انجمن اولیاء و مربیان که «تبیین مسؤلیت‌ها و تقویت احساس آن در اولیاء و مربیان نسبت به مسائل پرورشی کودکان» است مطابقت دارد.

بند ۵ فصل هفتم در سند تحول بنیادین که «تامین و بسط عدالت در برخورداری از فرصت‌های تعلیم و تربیت با کیفیت مناسب با توجه به تفاوتها و ویژگی‌های دختران و پسران در مناطق مختلف کشور است و اختصاص ۲۰٪ از برنامه‌های آموزشی به معرفی حرفه‌ها، هنرها، جغرافیا» با هیچکدام از اهداف آمده در اساسنامه‌ی انجمن اولیاء و مربیان مطابقت ندارد.

بند ۶ فصل هفتم در سند تحول بنیادین که «تنوع بخشی به محیط‌های یادگیری در فرایند تعلیم و تربیت رسمی عمومی» است با هیچکدام از اهداف آمده در اساسنامه‌ی انجمن اولیاء و مربیان مطابقت ندارد.

**۶- بررسی سؤال ۵:** آیا اهداف نقشه‌ی جامع علمی کشور با اهداف اساسنامه‌ی انجمن اولیاء و مربیان مطابقت دارد و اهداف نقشه جامع علمی کشور در اساسنامه تحقق یافته است؟

بر اساس توصیفات انجام شده چنین بدست آمده است که:

بند ۱۰ فصل اول (ارزشهای بنیادین و الگوی نظری) در نقشه‌ی جامع علمی کشور که «تقویت روحیه‌ی تعاون و مشارکت و مسؤلیت پذیری آحاد جامعه‌ی علمی و نهادهای مرتبط با آن» است با هدف ۲ در اساسنامه که «تبیین مسؤلیت‌ها و تقویت احساس آن در اولیاء و مربیان نسبت به مسائل



پرورشی کودکان» است همخوانی دارد.

بند ۱۱ فصل چهارم (راهبردها و اقدامات ملی) در نقشه ی جامع علمی کشور که « ایجاد هماهنگی میان نظام تعلیم و تربیت رسمی و غیر رسمی و کاهش فاصله ی مرزهای میان آنهاست» با هدف سوم در اساسنامه ی انجمن اولیاومرربیان که « ایجاد و تقویت رابطه ی صمیمی بین اولیا و مرربیان و فرزندان» است مطابقت دارد.

بند ۲۱ فصل چهارم (اقدامات ملی) در نقشه ی جامع علمی کشور که « سیاست گذاری و برنامه ریزی مشترک و متمرکز تربیتی برای رسانه ها و مراکز مؤثر بر تربیت به منظور همسویی با نظام رسمی آموزش و پرورش است» با هیچکدام از اهداف آمده در اساسنامه ی انجمن اولیا و مرربیان مطابقت ندارد.

بند ۸ فصل چهارم در نقشه ی جامع علمی کشور که « نهادینه سازی تعهد و انضباط اجتماعی و قانون مداری و روحیه ی تلاش برای گسترش عدالت و رفاه و سلامت جامعه در دانش آموختگان» با هیچکدام از اهداف آمده در اساسنامه ی انجمن اولیا و مرربیان مطابقت ندارد.

راهبرد کلان ۶ فصل چهارم در نقشه ی جامع علمی کشور که « تحول و نوسازی نظام تعلیم و تربیت اعم از آموزش و پرورش و آموزش عالی به منظور انطباق با مبانی تعلیم و تربیت اسلامی و تحقق اهداف کلان نقشه » است با هیچکدام از اهداف آمده در اساسنامه ی انجمن اولیاومرربیان همخوانی ندارد .

#### ۷- نتیجه گیری

نتایج مقایسه ی اهداف اساسنامه ی انجمن اولیاومرربیان با اهداف سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در حوزه ی انجمن اولیا و مرربیان نشان می دهد که در مجموع ۶ مورد از اهداف انجمن اولیا و مرربیان در سند تحول بنیادین با هیچ یک از اهداف موجود در اساسنامه ی انجمن اولیاومرربیان همخوانی ندارد و مغفول مانده است و تنها ۳ مورد از اهداف موجود در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش با اهداف اساسنامه ی انجمن همخوانی دارد . این نتیجه به مفهوم آن است که از مجموع ۹ هدف ذکر شده در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش ۶ هدف امکان تحقق ندارد که این نتایج نشان دهنده ی آن است که بخش زیادی از اهداف اساسنامه ی انجمن اولیاومرربیان یا به طور کلی مورد توجه برنامه ریزان قرار نگرفته است و یا با اهداف محدودی از اساسنامه ی انجمن اولیا و مرربیان پوشش داده شده است. و در تدوین اهداف انجمن اولیاومرربیان در اساسنامه ی انجمن به منابع تدوین هدف توجه جدی نمی شود و بسیاری از اهداف عالی آموزش و پرورش به فراموشی سپرده می شود. جمع بندی نتایج پژوهشی نشان می دهد اهداف مصوب در فرایند برنامه ریزی و اجرا ، فرایندی کاهشی دارد و بسیاری از اهداف در مرحله ی برنامه ریزی و سایر مراحل مغفول مانده و یا محقق نمی شود. همچنین نتایج مقایسه ی اهداف اساسنامه ی انجمن اولیا و مرربیان با اهداف نقشه ی جامع علمی کشور در حوزه ی انجمن اولیاومرربیان نشان می دهد که از مجموع ۵ مورد هدف انجمن اولیاومرربیان ذکر شده در نقشه ی جامع علمی کشور ۳ مورد از کل اهداف انجمن اولیا و مرربیان با هیچ یک از اهداف موجود در اساسنامه ی انجمن اولیاومرربیان همخوانی ندارد و دو مورد همخوانی دارد. در نهایت نتیجه ی کلی که می توان از این پژوهش ، بدست آورد این است که میزان اهداف تحقق نیافته در هردوسند (سند تحول بنیادین آموزش و پرورش و نقشه ی جامع علمی کشور) بیشتر از اهداف تحقق یافته است و بنابراین این نتایج این مطلب را می رساند که توجه برنامه ریزان باید به هردوسند بیشتر باشد.

#### منابع فارسی

- ۱- استادان طرح جامع آموزش خانواده (۱۳۷۸). خانواده و فرزندان در دوره ی ابتدایی. تهران: انتشارات انجمن اولیاومرربیان
- ۲- بازرگان ، زهرا (۱۳۷۶). مدرسه ای دیگر. تهران: انتشارات انجمن اولیا و مرربیان.
- ۳- بیابانگرد، اسماعیل (۱۳۷۸). راهنمای والدین و معلمان در تربیت و آموزش کودکان. تهران: دفتر نشر دانشگاهی.
- ۴- دبیرخانه ی شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۹۰). مبانی نظری سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.
- ۵- دبیرخانه ی شورای عالی آموزش و پرورش (۱۳۶۷). اساسنامه ی انجمن مرکزی اولیاومرربیان جمهوری اسلامی ایران (مصوبه ی جلسه ی ۴۵۱ شورای عالی)
- ۶- دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی (۱۳۸۹). نقشه ی جامع علمی کشور
- ۷- شعاری نژاد، علی اکبر (۱۳۸۷). روانشناسی فرهنگ و تربیت. تهران: انتشارات امیرکبیر
- ۸- وزارت آموزش و پرورش سازمان مدارس غیر دولتی و مشارکت های مردمی و خانواده (۱۳۹۲). راهنمای فعالیت انجمن اولیاومرربیان مدارس داخل و خارج از کشور. دفتر برنامه ریزی انجمن های مدارس ، آموزش خانواده و مشاوره ی اولیا
- ۹- وفادار ، صداقت. جوان بخت اول ، جعفر (۱۳۸۴) . انجمن اولیا و مرربیان (ساختار ، وظایف ، مسئولیت ها) . تهران : انتشارات عابد



منبع انگلیسی

- 1- Sahan,H. (2009).Teacher changing roles and Thire self – evaluation Regarding Roles Enpected of them by the Renewed curricula,A social and Behavir a sciences 1,1,2738-2747